

بخوانید احزاب آموزشی

مسلم قماشلوپیان

امروز نمی‌توان به‌طور قطع مشخص کرد که آیا حرکتی که در سال‌های گذشته در زمینه ارتقای سطح آموزشی آغاز شده، به نقطه‌ی بالاتری رسیده‌است یا خیر. ولی می‌توان عزیمت و حرکت را به‌وضوح دید؛ به‌عبارت دیگر، صنف دانشجو توانسته‌است قدری مشکلات و کاستی‌های آموزشی منبعث از گروه‌های آموزشی را بکاهد، اما هنوز نمی‌توان گفت که توانسته‌است فصل جدیدی را در مناسبات آموزشی دانشجو و گروه آموزشی (یا بخوانید احزاب آموزشی) باز کند.

حرکت رو به جلوی دانشجویی را می‌توان حس کرد؛ می‌توان ادعا کرد که فاصله گرفته‌ایم از زمانی که دانشجویان حتی توان پرسشگری از اساتید را در مورد مسائل صنفی آموزشی خود نداشتند، چه رسد به این‌که وارد تعامل در این‌باره شوند. مثلاً زمانی که انجمن علمی جامعه‌شناسی در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ پروژه‌ای را آغاز کرد که طی آن، پرسش‌هایی از اساتید گروه در مورد نحوه‌ی ارزشیابی پایانی دروس طرح شده بود، بعضی از

اساتید پاسخ داده بودند که این مسأله ربطی به دانشجویان ندارد؛ ربطی به دانشجویان ندارد که از درس روش تحقیق ۲ آزمون تستی به‌عمل آید. حتی استاد وقت درس فلسفه‌ی علوم اجتماعی که از چهره‌های گفتمانی میدان فکری جامعه نیز محسوب می‌شوند، در جواب سؤالات چنین اظهار نظری داشتند که تدبیرتون که فوت شده است، ولی می‌توانید بروید از بان کرایب پرسید که چرا چنین چیزی را در کتابش آورده‌است! در واقع در یک گفتمان این‌چنینی اساتید سردمداران احزابی پر قدرت هستند و دانشجویان افرادی منفعل که باید شرایط را بدون هیچ‌گونه پرسش‌گری بپذیرند تا مبادا خدشه‌ای به قدرت حزب وارد شود.

اما در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ شاهد بودیم که حداقل مدیران گروه‌های آموزشی پای صحبت‌های دانشجویان نشستند و در برابر پرسش‌های ایشان پاسخگو بودند و به‌نظر می‌رسد که می‌توانیم در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ به‌طور جدی‌تری و با حضور اساتید گروه، تعامل‌گری با گروه‌های آموزشی را به‌پیش ببریم؛ این همان حرکت رو به جلوی دانشجویی است، هرچند که هنوز نقطه‌ی عطف به‌حساب نمی‌آید. از آن رو که هنوز این نگرش در بین برخی از اساتید وجود دارد که احساس کنند

* سه‌شنبه‌ی این هفته، برنامه‌ی «هم اندیشی دانشجویان با مدیران گروه‌های آموزشی و اساتید» در سالن شهید مطهری برگزار خواهد شد. دانشجویان می‌توانند نظرات خود در خصوص عملکرد گروه‌های آموزشی و اساتید را به صورت مکتوب تا روز دوشنبه به انجمن‌های علمی بدهند تا در این جلسه مطرح شود.

* آرشینو نشریات مهرنامه، صدا، تجربه و بخارا (از شماره ۷۹ تا ۱۰۰) در اتاق شورای صنفی موجود است. علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه و استفاده از این نشریات به اتاق شورای صنفی مراجعه کنند.

به علاوه کسانی که آرشینو نشریه، کتاب و یا فیلم دارند می‌توانند آنها را در اختیار این شورا قرار دهند تا مورد استفاده‌ی همه‌ی دانشجویان قرار بگیرد.

* روز سه‌شنبه چهارم آذر ماه انجمن اسلامی

کاغذ اخبار

دانشکده‌ی علوم اجتماعی در نظر داشت برنامه‌ای با عنوان «زن، خشونت و فضای عمومی» در سالن شهید مطهری برگزار کند. اما دو ساعت مانده به آغاز برنامه، «شورای فرهنگی دانشگاه تهران» مجوز این برنامه را بدون هیچ توضیحی لغو کرد. در نهایت این برنامه در اتاق انجمن اسلامی برگزار شد. پیگیری‌ها برای مشخص شدن علت لغو مجوز این برنامه، آن هم در آخرین ساعات همچنان ادامه دارد.

* گویا داستان دزدی در دانشکده‌ی علوم اجتماعی همچنان ادامه دارد! اینبار سارقان محترم از قفل نبودن در اتاق بسیج برادران استفاده کرده و یکی از پرچم‌های این تشکل را که مخصوص ایام عزاداری عاشورا است و

می‌توانند به دانشجویان استادی را تحمیل کنند که هم‌جناحی‌شان در گروه آموزشی محسوب می‌شود و یا هنوز اساتید می‌توانند فیلترینگ شبه‌حزبی خود را در جذب دانشجوی دکتری به‌کار گیرند و دانشجوی کارشناسی و کارشناسی ارشد گروه را تهدید کنند که جایی در مقطع دکتری نخواهد داشت. و یا استادی به‌صراحت بگویند که اگر راهنمایی پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشجویی را برعهده بگیرد، این دانشجو در مقطع دکتری پذیرفته نخواهد شد.

به هر روی، از هر دو شق این معضله می‌توان مصادیقی را برشمرد تا هم نشان داد که راه موفقی را پیش گرفته‌ایم و هم نشان داد که هنوز تا دستیابی به فصلی نوین در امحای مناسبات شبه‌حزبی گروه آموزشی و دانشجو، راه درازی در پیش داریم. اما آن‌چه مهم است این است که می‌دانیم که در حرکت بوده‌ایم. در ادامه‌ی این حرکت روز سه‌شنبه یازدهم آذر برنامه‌ای با عنوان هم‌اندیشی دانشجویان با مدیران گروه‌های آموزشی و اساتید برگزار می‌شود که فرصتی سودمند برای اساتید و دانشجویان خواهد بود تا نظراتشان را در خصوص امر آموزش با یکدیگر در میان بگذارند.

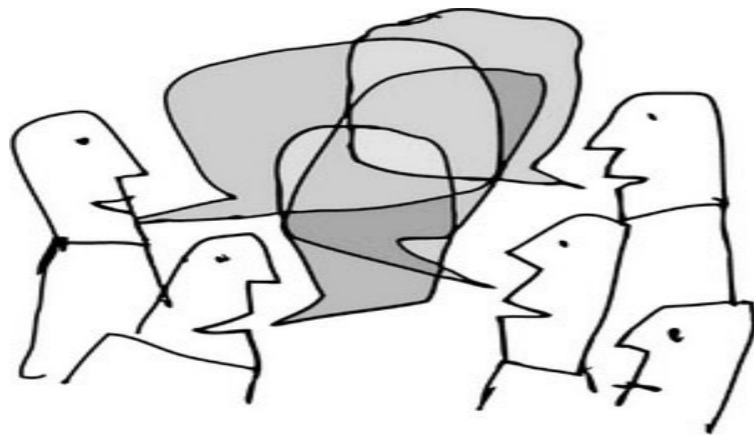
ابعاد آن ۲×۳ متر بوده دزدیده‌اند. قیمت این پرچم معادل ۸۰ هزار تومان عنوان شده‌است. معاون فرهنگی-دانشجویی، ضمن تذکر دادن به دانشجویان برای قفل کردن در اتاق این تشکل، اذعان داشته‌اند در صورت موافقت معاونت مالی-اداری می‌توانند در راهروی منتهی به اتاق بسیج دوربین نصب کنند. این ماجرا در حالی رخ می‌دهد که در هفته‌های گذشته هم چند مورد کیف دزدی در دانشکده رخ داده‌بود. در حال حاضر پرسش این است علت این همه ناامنی در دانشکده چیست و چرا نظارتی بر رفت و آمد افراد وجود ندارد؟

* روز یک‌شنبه ۱۹ آذر انجمن علمی ارتباطات برنامه‌ای تحت عنوان «بررسی علل تاثیرگذار بر میزان فروش فیلم‌ها در سینمای ایران» برگزار می‌کند؛ این برنامه ساعت ۱۵ و در سالن شریعتی برقرار خواهد شد.

روزگار

چرا صحبت در گوشی؟!

مهدی یار ززم



با بازگشایی مجدد شورای صنفی در سال تحصیلی گذشته اندک جرعه‌ی امیدی در دل دانشجویان زده شد که شاید شورای صنفی بتواند با پیگیری مطالبات دانشجویی در زمینه‌های مختلف، فضای سال‌های نه چندان دور در دانشکده را (که به نوبه‌ی خود سال‌هایی تلایی بودند)، بار دیگر احیا کند. از همان ابتدا بحث‌های بسیاری در گوشه‌وکنار زده می‌شد که شورای صنفی چگونه می‌تواند این کار را عملی کند؟

نظرات متفاوت بود، عده‌ای بر این باور بودند که با تغییر مسئولان دانشگاه و دانشکده بخش اعظمی از مشکلات حل خواهد شد و برخی دیگر بر حرکات قهرآمیز پای می‌فشردند. یکی از راهکارهایی که مطرح شد و در این روزهای اخیر ویرگول و بعضی دیگر از نشریات دانشکده به آن پرداختند؛ احیای حوزه‌ی عمومی است. اما چرا این مقوله در شرایط کنونی از اهمیت و ضرورتی بیش از پیش برخوردار است؟

در سال‌های اخیر به دلیل مسائلی که همگی می‌دانیم و به آن آگاهییم نه تنها دانشگاه‌ها بلکه در سطحی گسترده‌تر جامعه دچار جمود و خمودگی شد. مسئله‌ای که آغازگر آن نهاد قدرت بود و مردم هم در تشبیت و ادامه‌ی آن نقش داشتند.

در شرایط کنونی که از یک سو وزارتخانه‌ی

علوم مدت‌ها بدون وزیر اداره می‌شد و مسئولان دانشگاهی هم به مطالبات دانشجویان آن‌گونه که باید توجه نمی‌کنند و از سوی دیگر اساتید نه تنها با دانش‌آموختگان خود، بلکه با یکدیگر هم ارتباط مستمر و یکدلانه‌ای ندارند، چه کسی جز دانشجو قرار است به این قشر و مشکلات آن بپردازد؟ و چه زیبا گفته‌اند پیشینیان: «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من».

متأسفانه در بین دانشجویان هم شاهد هم‌صدایی و حس مسئولیت‌پذیری نیستیم. سواى دلایلی همچون بی‌تفاوتی، سرکوب‌انگیزه‌ها و ... این رخوت در فضای دانشجویی شاید بدین علت باشد که بسیاری؛ از آنچه که قبلاً بوده و امروز جای خالی‌ش احساس می‌شود آگاه نیستند و تصور می‌کنند که همیشه اوضاع بدین منوال بوده است؛ پس احوال امروز عجیب نیست. علت دیگر می‌تواند گسترش حیطه‌ی خصوصی و سهولت برقراری ارتباط به واسطه‌ی تکنولوژی‌های نوین و رونق فضای مجازی باشد چرا که دانشجویان دلیلی برای حضور بیشتر در دانشکده نمی‌بینند و از راه دور بسیاری از مسائلشان قابل حل است. از طرف دیگر سیاست قطبی کردن رشته‌های دانشگاهی در این سالیان بر شکل‌گیری این فضا بی‌تأثیر نبوده‌است، زیرا سال به سال

شماره ششم
صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
سردبیر: آرمیتا رضانی
صفحه آرا: فرزاد نیک آیین/ صبورا سمنانیان

در ستایش کنشگری

هدی انصاری

پس از چند سال رخوت در فضای دانشگاهی، بالاخره امیدهایی برای تغییر به وجود آمده‌است. ویرانه‌ای به نام دانشگاه راه زیادی را باید طی کند تا به سطح مطلوب برسد. اما انتظار کشیدن برای ایجاد تغییرات ساختاری کافی نیست و کنشگری دانشجویان باید همچنان ادامه داشته‌باشد.

از رنجی که می‌بریم و از نامهربانی‌ها که بگذریم، درون دانشگاه غیر از ایجاد تغییرات از بالا نیاز به تحرک از پائین هم وجود دارد. رخوتی که در دانشگاه ایجاد شده و بی ارزش کردن فعالیت گروهی باعث گردیده که رغبت دانشجویان تازه وارد به فضای عمومی دانشگاه به انجام فعالیت گروهی و احیای حوزه عمومی در دانشگاه کم شود. به سبب نوع نگاه دانشجویان و مقاومت ساختاری در دانشکده علوم اجتماعی وضع کمی فرق داشت. حوزه عمومی در دانشکده ما کمی دیرتر از بقیه دانشگاه‌ها فرو ریخت و در پایان دولت گذشته هنوز هم کورسوهایی از امید به احیای نهادها و تشکل‌های دانشجویی وجود داشت.

در انتخابات سال ۹۲ نقطه آغازی برای تغییر در وضعیت دیده می‌شد. پس از پایان انتخابات، نسل قدیم و جدید دانشکده روزی در میان لابی دانشکده، همان جایی که عبور و مرور در آن هم کنترل می‌شد، گرد هم جمع شدند و از امیدهاشان برای بازسازی حوزه عمومی و احیای تشکل‌های دانشجویی صحبت کردند. از این جمع پیشنهادهایی استخراج شد و تلاش شد به طریقی مطالبات دانشجویی به دولت منتخب منتقل شود.

از طرفی در دانشکده علوم اجتماعی هم به صورت عینی با تلاش دانشجویان حرکت برای احیای حوزه عمومی شروع شد. گروهی از دانشجویان با پیگیری توانستند مجوز بازگشایی شورای صنفی را بگیرند تا دانشکده یکی از نهادهای تعطیل‌شده‌اش را دوباره بازابد.

چرا صحبت در گوشی؟!

بر تعداد پذیرفته‌شدگان تهرانی یا شهرهای نزدیک به پایتخت افزوده می‌شود. بنابراین این افراد ساعات و روزهای بی‌کاری را در خانه و شهر خود سپری میکنند و بدین خاطر در بطن اتفاقات و مسائل مربوط به دانشکده قرار نمی‌گیرند و مشارکتی حداقلی دارند. فضاهایی همگانی همچون بوفه، سایت، کتابخانه، لابی و ... می‌توانند به گسترش حوزه‌ی عمومی کمک کنند زیرا در این گونه اماکن است که ابتدا دانشجویان و سپس سایر افراد دانشکده می‌توانند به طرح مباحث مورد نظر خود بپردازند.

همانگونه که در سطور بالا در باب ضرب‌المثل «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من» قلم فرسایی شد باز هم تکرار می‌کنم؛ حوزه‌ی عمومی را کسی جز دانشجویان نمی‌تواند تقویت کند و رونق بخشد. پس باید چشم به هیچکس دیگری ندوخته و فقط کافیست تا صحبت‌های درگوشی خودمان را از پیچ‌پچی دوطرفه به گفت‌وگویی چند نفره بدل کنیم.

اساتید هم گروهی هستند که نباید از نقش تعیین‌کننده‌شان غافل شد. حضور اساتید در فضاهای عمومی و شرکت آنها در

با وجود آنکه دانشجویان در هویت بخشیدن به حوزه‌ی عمومی پیشگام هستند (فضاهایی که در ابتدا مسئولان ایجاد می‌کنند اما دانشجویان حیات را در آن می‌دمند) اما به مرور زمان مسئولان هم ناگزیر از حضور هر چند کوتاه در این حوزه خواهند بود.

فعالیت و گپ‌های دانشجویی به برطرف شدن شکاف دانش‌آموخته-استاد کمک خواهد کرد. با وجود آنکه دانشجویان در هویت بخشیدن به حوزه‌ی عمومی پیشگام هستند (فضاهایی که در ابتدا مسئولان ایجاد می‌کنند اما دانشجویان حیات را در آن می‌دمند) اما به مرور زمان مسئولان هم ناگزیر از حضور هر چند کوتاه در این حوزه خواهند بود. مسئولان

در ستایش کنشگری

بازگشایی شورای صنفی نمایان‌گر خواست عمومی برای ایجاد تغییر در فضای دانشکده بود. اما در این میان با وجود خواست دانشجویان برای ادامه این مسیر و افتتاح کانون‌های دانشجویی نیرویی پیدا و پنهان نمی‌خواهد. خواست دانشجویان محقق شود. بازگشت کانون‌ها و تشکل‌ها به فضای دانشکده و رونق کار نشریات دانشجویی در دانشکده، سبب خواهد شد که فضای عمومی هم تغییراتی را به خود ببیند.

شاید این سخن تکراری به نظر بیاید ولی اینجا علوم اجتماعی است، مجرای تنفسی دانشجویان حوزه عمومی است، اگر حوزه عمومی در دانشکده تعطیل شود، امکان گفتگو و تعالی در بین دانشجویان از بین می‌رود. کنشگری عنصر ذاتی اصحاب علوم اجتماعی است. ناگفته پیداست که اگر امکان کنشگری و گفتگو برای دانشجویان وجود نداشته باشد، ضعف تحلیل برای پژوهشگران آینده به وجود خواهد آمد. کنشگری به

هر نوعی از آن موجب پویایی و نشاط در فضای عمومی دانشکده می‌شود و در محیط‌پویا، امکان رشد فراهم می‌شود.

در سال‌های گذشته به طرق گوناگون امکان پویا شدن فضا سلب و تلاش شد

رخوتی که در دانشگاه ایجاد شده و بی ارزش کردن فعالیت گروهی باعث گردیده که رغبت دانشجویان تازه وارد به فضای عمومی دانشگاه به انجام فعالیت گروهی و احیای حوزه عمومی در دانشگاه کم شود.

تا کنشگری از دانشجو گرفته شود. از برنامه‌ریزی‌های جهت‌دار آموزشی، تا لغو مجوزها و تعلیق‌ها در فضای دانشجویی-فرهنگی که گریبان‌همه‌ی تشکل‌ها را گرفت و همین طور محرومیت‌های دانشجویان، عوامل و ابزارهایی بودند که هزینه کنشگری در فضای دانشگاه را زیاد کردند و موجب

موسیقی بخشی از فرهنگ است؛ اجازه دهید جان بگیرد



عاشورایی» سوگواری می‌کنند. کف خیابان یعنی لمس رفتاری که مردم در مجالس عروسی خود با دعوت از گروه‌های موسیقی لحظات خوشی را برای خود رقم می‌زنند. جامعه را کف خیابان دیدن یعنی تماشای بچه‌هایی که برای پول درآوردن میان ماشین‌ها تنبک و آکاردئون و ویلن می‌نوازند و آواز می‌خوانند یا آنهایی که در شب‌های پربرنامه‌ی تالار

وحدت دم در تالار می‌نشینند به ساز زدن و آواز خواندن تا مردمی که هزینه‌ی زیادی بابت بلیط پرداخته‌اند و از تماشای یک اجرای موسیقی بر می‌گردند، آنها را مورد لطف خود قرار دهند. جامعه را کف خیابان لمس کردن یعنی تحلیل رفتار مردمی که در تیپ‌های شخصیتی گوناگون شب فوت «مرتضی پاشایی» به خیابان‌های شهرشان آمدند و با خواندن آهنگ‌های این خواننده برایش سوگواری کردند. جامعه را کف خیابان لمس کردن یعنی فرهنگ مردم را از نزدیک دیدن و بررسی کردن. یعنی فکر کنیم چرا اینگونه شد؟ چرا اینگونه می‌شود؟ و سوال اساسی اینجاست که اگر ما دانشجویان علوم اجتماعی که باید جامعه را کف خیابان لمس کنیم و تحلیلش کنیم و برای بهبودش هم راه حلی ببیندیشیم، بخش تأثیرگذاری از فرهنگ مردم را نشناسیم، خودمان با آن سرو کار نداشته باشیم و حتی روی آن خط قرمز بکشیم چطور می‌توانیم جامعه را تحلیل کنیم؟

دیگر حرفی نیست جز اینکه حالا تعدادی دانشجو آمده‌اند و می‌خواهند در یکی از این زمینه‌های فرهنگی تلاش کنند. می‌خواهند کانون موسیقی راه بیندازند و به این بخش از فرهنگ بپردازند. اگر «دانشکده اتاق ندارد» به همان هم راضی هستند. اجازه دهید موسیقی به عنوان بخش مهمی از فرهنگ در دانشکده‌ی علوم اجتماعی جان بگیرد.

بهار کدخدازاده *

«موسیقی» بخشی از فرهنگ است و گمان می‌رود همین یک جمله ضرورت توجه به آن را توجیه کند و با اقتضا به همین یک جمله به نظر نمی‌رسد درخواست برای تشکیل یک کانون موسیقی در دانشکده‌ی علوم اجتماعی اقدام عجیب و مسئله‌ساز باشد. در دانشکده‌ای درس می‌خوانیم که هر ترم، سر

هر کلاس، هر استادی - حتی بعضا اساتید دروس عمومی- با تاکید بر اینکه ما دانشجویان جامعه شناس، انسان شناس، ارتباطاتی و برنامه‌ریزهای اجتماعی آینده هستیم و باید با دیدی تخصصی به اوضاع جامعه نگاه کنیم، از استدلال‌های ناقص ما، از سوگیری‌های جانب‌دارانه‌ی ما، از انتقادهای نادرست ما و کلا از هر اقدام ما که به نظر از روی ناپختگی و کم‌سوادی ما است، ایراد می‌گیرند. نگوئیم ایراد می‌گیرند؛ سعی می‌کنند راهنمایی کنند و راه درست را نشان دهند. راه تفکر جامعه شناسانه، انسان شناسانه، ارتباطاتی و برنامه ریزانه را. حالا سوال این است که آیا «فرهنگ» بخش مهمی از سوادی نیست که ما باید در آینده آن را تکمیل کنیم؟ آیا نباید «فرهنگ» را شناخت و شناساند؟

«موسیقی» قسمتی از فرهنگ است. فرهنگ ملت‌هایی که سالیان سال رشد کرده‌اند، تغییر کرده‌اند، دگرگون شده‌اند و همچنان نیز درحال گذار هستند. ملت‌هایی که برای لحظات خوشی خود یک نوع موسیقی ساخته‌اند و برای لحظات غم خود نوعی دیگر. موسیقی بخشی از فرهنگ تمام ملل است و به همین سادگی ما تاکنون در دانشکده‌ی علوم اجتماعی از این بخش فرهنگ غافل بوده‌ایم. البته تاکنون تلاش‌هایی برای توجه به «موسیقی» شده است؛ مثلاً چند سال پیش این دانشکده «کانون موسیقی» داشت. کانون موسیقی‌ای که می‌گویند به دلایل «اخلاقی» بسته شد. مجوزش را گرفتند و تمام شد. یا مثلاً دانشجویان انسان شناسی درسی دارند به نام «انسان شناسی موسیقی» که

ساسان فاطمی یکی از اساتید بنام در همین زمینه آن را تدریس می‌کند. کلاسی که با وجود اختیاری بودنش دانشجویان گروه انسان‌شناسی و حتی عده‌ای از دانشجویان گرایش‌های دیگر دانشکده از آن استقبال می‌کنند زیرا هم جذاب است و هم بخش‌هایی از فرهنگ جوامع را به خوبی پیش چشم می‌آورد؛ اما شناخت فرهنگ و جامعه با گذراندن واحدهای درسی دانشکده و خواندن چند کتاب به دست نمی‌آید. فرهنگ

حالا تعدادی دانشجو آمده‌اند و می‌خواهند در یکی از این زمینه‌های فرهنگی تلاش کنند. می‌خواهند کانون موسیقی راه بیندازند و به این بخش از فرهنگ بپردازند. اگر «دانشکده اتاق ندارد» کلاس خالی که زیاد دارد. این دانشجویان به همان هم راضی هستند. اجازه دهید موسیقی به عنوان بخش مهمی از فرهنگ در دانشکده‌ی علوم اجتماعی جان بگیرد.

و جامعه را باید لمس کرد و به قول دکتر سهیلا صادقی: «جامعه را باید کف خیابان شناخت». کف خیابان یعنی لمس مردمی که انواع درد و بدبختی را تحمل می‌کنند اما هر سال ماه محرم که می‌شود دنبال دسته‌های عزاداری خیابان‌های شهر را طی می‌کنند و همراه با «موسیقی

* دانشجوی کارشناسی پژوهشگری، عضو هیئت موسس کانون موسیقی